



مقاله



محمدتقی فاضل مبیّدی

محارب در قرآن، فقه و قانون

شان نزول آیه: در برخی تفسیرها درباره علت نزول آیه محارب چنین آمده؛ میان قومی در مدینه با پیامبر اسلام عهدنامه‌ای امضا شد و آنها این عهدنامه را نقض کردند و در پی آن به دنبال فساد برآمدند. مفسرانی مانند حسن و مکرمه گفته‌اند نزول آیه درباره مشرکان است که به دنبال شرک فساد می‌کردند و دیگری گفته‌اند این آیه درباره دو طایفه‌ای نازل شد که مرتد شدند و به دنبال ارتداد فساد می‌کردند و شهر را ناامن می‌داشتند. (تبیان، ج ۳، ص ۵۰۴)

در وسائل الشیعه از ابوصالح روایتی را که، از جهت سند ضعف ندارد و به اصطلاح موثقه است، از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده که عده‌ای از طایفه بنی‌ضبه بر پیغمبر صلی‌الله علیه و آله وارد شدند در حالی که مریض بودند؛ رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) به آنها فرمود: در نزد من باشید تا هنگامی که صحت یافتید شما را به همراه عده‌ای از مسلمانان برای جهاد می‌فرستم. آنها گفتند: ما را از مدینه بیرون فرست. حضرت آنها را به خارج از مدینه در مکانی که شترهای صدقه و زکات محافظت می‌شدند فرستاد تا از آنها استفاده کرده و از شیرهای آنها بخورند. هنگامی که سلامتی را یافتند و قوی شدند به سه نفر از نگهبانان و محافظین شترها حمله کردند و آنها را به قتل رساندند. این خبر به رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) رسید، پس علی (علیه‌السلام) را به سوی آنها فرستاد، در حالی که در یک دره‌ای مانده بودند و راه خروج نداشتند. نزدیکی زمین‌های یمن - پس علی (علیه‌السلام) آنها را اسیر کرده و به نزد رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) آورد، در این هنگام این آیه نازل شد. پس رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) قطع را اختیار

در جامعه باشد، از این رو بر کسی که بدون داشتن سلاحی بخواهد حرکت اعتراضی داشته باشد و حتی اخلال در نظم عمومی کند، محارب صدق نمی‌کند.

«فالمراد بالمحاربة والافساد علی ما هو الظاهر هو الاخلال بالامن العام والامن العام انما یختل بايجاد الخوف العام». (المیزان، ج ۵، ص ۳۵۴)

در هر صورت محارب به کسی گفته می‌شود که ۱- سلاح برکشد و ۲- ایجاد ناامنی کند. این معنا و تفسیری است که غالب مفسران قرآن آورده‌اند.

قریب به اتفاق مفسران نوشته‌اند محارب کسی است که سلاح برکشد و راه‌ها را در شهرها یا خارج از شهر ناامن کند. علامه طباطبایی می‌نویسد؛ محاربه در اینجا مانند محاربه کفار با پیامبر و اخلاقی که قطاع‌الطریق و راهزنان با نشان دادن سلاح، ناامنی را در جامعه ایجاد می‌کنند، است، یعنی جنگی که در آن فساد در زمین و ایجاد رعب و وحشت در جامعه باشد، از این رو بر کسی که بدون داشتن سلاحی بخواهد حرکت اعتراضی داشته باشد و حتی اخلال در نظم عمومی کند، محارب صدق نمی‌کند

استفاده از احکام اسلامی و واژه‌های قرآنی بی‌توجه به معانی دقیق و درست آنها، در برخی موارد شاید نوعی بدعت‌گذاری یا تحریف تلقی شود. واژه «محارب» و احکام مترتب بر آن که در قرآن و سنت به کار رفته، به تازگی در برخی خطابه‌ها به گونه‌ای نمایان شده که گویی با معنای حقیقی آن هیچ تطابقی ندارد، به گونه‌ای که پیش‌فرض‌های سیاسی بر معانی قرآن تحمیل گشته است. ممکن است پاره‌ای از معترضان را که در برخی تجمعات شرکت جسته‌اند و احیاناً شعارهای دور از انتظاری داده‌اند محارب بنامند، ولی آیا صدق محارب در این گونه موارد صحیح و صواب است؟ و می‌توان آدمیان را با برداشتی سطحی و سیاسی از آیات و روایات، عنوان محارب به آنها داد؟ یا این واژه و احکام آن در این موارد صدق نخواهد کرد.

اینک بنگریم به کاربرد محارب در قرآن کریم تا در بایم مصداق محارب چه کسانی هستند و این اصطلاح قرآنی را کجا باید به کار برد. آیه ۲۳ از سوره مائده که در این مورد نازل شده چنین است؛ «انما جزاء الذین یحاربون الله ورسوله و یسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا...» (همانا جزای کسانی که با خداوند و پیامبر او به محاربه برمی‌خیزند و در زمین به فتنه و فساد می‌کوشند، این است که کشته شوند...) قریب به اتفاق مفسران نوشته‌اند محارب کسی است که سلاح برکشد و راه‌ها را در شهرها یا خارج از شهر ناامن کند. علامه طباطبایی می‌نویسد؛ محاربه در اینجا مانند محاربه کفار با پیامبر و اخلاقی که قطاع‌الطریق و راهزنان با نشان دادن سلاح، ناامنی را در جامعه ایجاد می‌کنند، است، یعنی جنگی که در آن فساد در زمین و ایجاد رعب و وحشت

کرد، و دستور داد دست راست و پای چپ آنها را قطع کردند. (وسائل الشیعه، ج ۲۸، باب ۱۱ از ابواب حد محارب، حدیث ۷)

بر اساس شأن نزولی که برای آیه محاربه آورده‌اند، این معنادر همه موارد یقینی است که محارب بر کسی اطلاق می‌شود که بخواهد با ایجاد ناامنی و برکشیدن سلاح، جامعه را ناامن کند. فقهای بزرگ اسلام از شیخ طوسی در کتاب «نهایه و مبسوط» تا مرحوم امام خمینی در کتاب «تحریر الوسیله»، ج ۲، ص ۴۹۲ در بحث حدود، این معنارامتدکر شده‌اند که محارب یعنی کسی که: «جرد سلاحه او جهزه لاخافه الناس و اراده الفساد فی الارض» (محارب کسی است که سلاح خود را برای ترساندن مردم و ترویج فساد در زمین آماده می‌کند).

مرحوم آیت‌الله منتظری در تعریف محارب می‌گوید؛ محاربه عبارت است از موردی که فرد یا افرادی به منظور افساد و ترساندن و سلب امنیت مردم با استفاده از سلاح و قدرت نظامی اقدام عملی کنند. در حقیقت استفاده از سلاح و اتکاب به آن، جزء ذات معنای محاربه از ریشه حرب است. طبق این معنا هر گونه ارعاب و ترساندن که از ناحیه فرد یا افراد مسلح یا از سوی حکومت‌ها با اتکاب بر نیروی نظامی آنها در جهت اخلال امنیت عمومی و ارعاب آنان انجام شود و برای افساد و برهم زدن آرامش و تعادل روحی مردم و سلب آزادی آنان باشد، مصداق محاربه خواهد بود. (آیت‌الله منتظری، دیدگاه‌ها، ج ۱، ص ۴۲۰) شیخ طوسی (رحمه‌الله) می‌فرماید: محارب کسی است که سلاح بر مردم بکشد و از اشقیای باشد؛ در شهر باشد یا در خارج از شهر، در شهرهای کفار باشد یا مسلمانان، شب باشد یا روز، پس هر گاه چنین کرد محارب بوده، چنانچه کسی را بکشد کشته می‌شود و اگر بکشد و مال مردم را هم ببرد واجب است که مال را از او بگیرند و به خاطر دزدی قطع دست و پا کنند و بعد او را بکشند و به دار آویزند. (النهایه، ص ۷۲۰) شیخ مفید (رحمه‌الله) می‌فرماید: کسی که بر روی مردم سلاح بکشد و آنها را بکشد و به عنوان یاغی قلمداد شود، کشته می‌شود یا به دار آویخته می‌گردد. (المقنعه، ص ۸۰۵) ابن حمزه می‌گوید: کسی که به طور علنی با سلاح مال مردم را ببرد محارب است. (الوسیله، ص ۴۲۳) قاضی ابن براج نیز همانند شیخ طوسی فرموده. (مهذب

تحقق حکومت اسلامی به این است که حدی اجرا نشود و یا کمترین حد و تعزیر اجرا شود، زیرا فلسفه تحقق اسلام در جامعه کاهش جرم و بزهکاری‌های اجتماعی و سیاسی است، نه اجرا کردن حدود. هدف اصلی اسلام و قرآن این است تا با ایجاد عدالت و آزادی عقیده و حریت اندیشه و تحقق اخلاق، انسانیت به معنای واقعی محقق شود

البارع، ج ۲، ص ۵۵۴) و ابن ادریس پس از ذکر آیه می‌فرماید: بین فقها خلافتی نیست که مراد از آیه، قطع الطریق و دزدهای سرگردنه هستند و در نزد ما شیعه هر کس بر مردم سلاح بکشد تا آنها را ترساند در خشکی باشد یا دریا، در آبادی‌ها باشد یا شهرها، یا صحراها و در هر حال هر گاه ثابت شود، امام مخیر است بین یکی از چهار جزایی که قرآن فرموده. (کتاب سرائر، ج ۴، ص ۵۰)

محقق حلی صاحب شرایع (متوفی ۶۷۶) می‌فرماید: محارب کسی است که برای ترساندن مردم سلاح برکشد. (شرایع، ج ۴، ص ۱۸۰) شهید اول (متوفی ۷۸۶) و شهید ثانی (متوفی ۹۶۵) می‌فرمایند: محارب کسی است که بر مردم سلاح بکشد تا مردم را بترساند در هر مکان و یا زمان و اگر مردم را سنگباران کند و یا عصا و چوب بزند و یا آنها را با قدرت بگیرد، محارب است. (لمعه و شرح آن، ج ۹، ص ۲۹۰ تا ۲۹۲) در جواهر (متوفی ۱۲۶۶) می‌فرماید: محارب کسی است که برای ترساندن مردم سلاح می‌کشد یا سلاح حمل می‌کند برای ترساندن هر کس که ترساندن او حرام است و کشیدن عصا و چوب و سنگ هم برای ترساندن مردم مشمول محارب است و همچنین هر چیزی که موجب ترساندن مردم و فساد در زمین باشد. (جواهر الکلام در شرح شرایع، ج ۴۱، ص ۵۶۴ تا ۵۶۶) مرحوم امام خمینی (رحمه‌الله) می‌فرماید: در مسئله ۱: محارب کسی است که برای ترساندن مردم

سلاح می‌کشد یا آماده می‌کند و اراده فساد دارد و در مسئله ۵ می‌فرماید: جزای محارب یکی از چهار چیز است: قتل یا دار زدن یا قطع دست و پا و یا تبعید، و بعید نیست که به ترتیب جنایت باشد که بر عهده حاکم است که با اثبات موضوع حکم کند. (تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۹۲؛ بنگرید، آیت‌الله دستغیب، پاسخ به سؤالات)

ممکن است برخی برای اعتراضات عمومی که منجر به شعارهای نامطلوب می‌شود از عنوان «بغی» استفاده کنند و قائل بر این باشند که معترضانی چنین، یاغی‌اند، زیرا گروهی از مسلمانان در برابر گروهی دیگر بغی کرده‌اند و قرآن در آیه ۹ از سوره حجرات می‌فرماید: «هنگام قتال دو طایفه از مؤمنین آنان را به اصلاح وادارید و اگر گروهی بر دیگری بغی کرد با آنان کارزار کنید.» بغی در کتب فقهی به معنای خروج بر امام معصوم یا امام عادل تفسیر شده و در معنای «خروج» استفاده از سلاح نهفته است، یعنی خروج بدون داشتن اسلحه بغی نیست. شهید اول در متن کتاب لمعه، «بغی» را در خروج بر امام معصوم منحصر کرده است. محقق و صاحب جواهر آن را به خروج از اطاعت امام عادل تفسیر کرده‌اند، ولی از ظاهر آیه شریفه و اطلاق آن، بغی شامل مواردی است که مسلحانه باشد. طبق برخی فتاوا تجاوز مسلحانه حاکمیت بر طایفه‌ای از مؤمنان بغی به شمار می‌آید. (دیدگاه‌ها، ص ۴۲۱) نکته مهم اینکه در بغی سرکشی از حق و طلب باطل نهفته است. در اینجا به کسانی که به خاطر برخی حوادث سیاسی اخیر تلاش می‌کنند با استفاده از اصطلاح محارب و یاغی، رقیب خود را حذف کنند، گفته می‌شود، چه در مجلس و چه در قوه قضاییه به کتب فقها و احکامی که در این باب آمده مراجعه کنند، بویژه جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۲۲۴ که احکام محاربه و بغی را روشن ساخته است.

نکته مهمتری که باید به آن توجه داشت، سخن پیامبر (ص) است که توجه قضات و حاکمان اسلامی را در حفظ جان مردم لازم داشته و دستور صریح پیامبر (ص) این است که در موارد مشکوک در اجرای حدود باید هر نوع اجرای حدی را تعطیل کرد، بویژه آنگاه که بخواهند کسی را اعدام کنند.

قاعده ادركوا الحدود بالشبهات (وسائل الشیعه، ۲۴/۴) اگر دقیقاً این توصیه

منظور می شد شاید آمار اعدام ها در این کشور تا این حد بالا نشان نمی داد و همواره ما را محکوم نمی کردند. چگونه ممکن است کسی را به عنوان محارب دستگیر کرد و به دستگاه قضایی تا چند روز مهلت داد و بعد او را اعدام کرد؟ در فقه اسلام شاید دشوارترین کار، اثبات جرمی باشد که مجازات اعدام بر آن مترتب است.

ذکر این نکته ضروری است که تحقق حکومت اسلامی به این است که حدی اجرا نشود و یا کمترین حد و تعزیر اجرا شود، زیرا فلسفه تحقق اسلام در جامعه کاهش جرم و بزهکاری های اجتماعی و سیاسی است، نه اجرا کردن حدود. هدف اصلی اسلام و قرآن این است تا با ایجاد عدالت و آزادی عقیده و حریت اندیشه و تحقق اخلاق، انسانیت به معنای واقعی محقق شود. اگر در جامعه فریادی بلند شد و عده ای ناراضی شدند و احیاناً در خیابان دست به اعتراض زدند باید ریشه های درد را جست و جو کرد و دید چرا این فریادهایی که در پیش نمی بود، پیدا شده است؟ اصولاً اعتراض و فریاد حق هرانسانی است. خدای فرماید: لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم (نسا: ۱۴۸) قانون اساسی نیز این حق را به رسمیت شناخته است. اشخاصی که

قانون محاربه را در مجلس طرح کرده اند، لازم است به عنوان و کلای قانونگذار مردم نظری به قانون مجازات اسلامی که در این مملکت به تصویب رسیده، بیندازند. در باب ۷ فصل اول قانون مجازات اسلامی است: ۱- هر کس برای ایجاد رعب، هراس، سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد، محارب و مفسد فی الارض می باشد. ۲- میان سلاح سرد و گرم فرقی نیست. ۳- هر گروه یا جمعیت متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند، مادام که مرکزیت آن باقی است تمام اعضا و هواداران آن، که موضع آن گروه یا جمعیت یا سازمان را می دانند و به نحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش مؤثر دارند محاربند. فصل دوم این قانون راه های اثبات محاربه را به گونه ای بیان کرده که باید دو مرد عادل شهادت دهند که فلانی محارب است. آیا چنین قوانینی اجازه می دهد هر کسی را به جرم اعتراض یا حتی شعار ساختار شکنانه محارب نامید؟ سخن در این باب در کتب فقهی فراوان است. راقم این سطور این چند سطر را برای آن نگاشت تا قوانین اسلامی را به گونه ای به کار نگیرند که همگان را نسبت به آن بدبین سازند. چرا در جهان امروز نزد هر

انسان عدالتخواه و آزادی طلب، اسلام طالبانی محکوم است؟ برای اینکه خشونت شیطانی را به رحمت خداوندی غالب کرده و کرامت انسانی را لگدمال کرده است. فلسفه نزول ادیان برای راحت کردن انسان و آزادی او از تمام بلاهای اجتماعی است. ما اگر نظری به کرامت انسان از نگاه اسلام داشته باشیم، شاید تأملی تازه بر جزئیات اسلام و انسان مجرم داشته باشیم و در راه سبک کردن حکم اعدام و یا لغو آن با محافل حقوقی همداستان شویم. شایسته است فقهای بزرگ اسلام، با توجه به فلسفه انسان در قرآن، در کنار کتاب های پر حجم فقهی نگاهی عمیق تر به فلسفه فقه داشته باشند، تا روح عدالت و کرامت بر تمامی احکام فقه سایه افکند. عارفان بزرگ اسلام همواره عبور از پوست و دستیابی به مغز را توصیه می کرده اند، تا از احکام دین به اهداف دین توجه داشته باشیم.

چندباشی عاشق صورت بگو

طالب معاش و معنابجو

صورتش دیدی زمعناعاقلی

از صدف دُر را گزین گر عاقلی

(مولوی)

عضو شورای مرکزی مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه

اعترافات یک قاتل اقتصادی

نویسنده: جان پرکینز

ترجمه: لطف الله میثمی

انتشارات صمدیه، چاپ اول ۱۳۸۹

قیمت: ۶۵۰۰ تومان، تلفن تماس ۰۲۱-۶۶۹۳۶۵۷۵



جان پرکینز می نویسد: «مزدوران و قاتلان اقتصادی، افرادی حرفه ای با دستمزدهای بالا هستند که کشورهای مختلفی در سراسر جهان را از دسترسی به تریلیون ها دلار پول محروم می کنند. در این راه آنها از ابزارهایی مانند گزارش های اقتصادی فریبکارانه، انتخابات تقلبی، رشوه و حق السکوت، تهدید، رابطه جنسی، قتل و جنایت استفاده می کنند. بازی، همان بازی قدیمی سلطه و فرمانروایی است با این تفاوت که در عصر جهانی سازی

ابعاد بسیار وحشتناکی به خود گرفته است.» جان پرکینز به عنوان یک مزدور اقتصادی که برای یک شرکت مشاور بین المللی کار می کرده است، کشورهای در حال توسعه را متقاعد به دریافت وام های کلان و سپس پول های هنگفت مزبور را به شرکت ها و کمپانی های ایالات متحده منتقل می کرده است، دولت امریکا و نهادهای کمک رسان بین المللی نیز سهم خود از جمله دسترسی به منابع طبیعی، همکاری نظامی و حمایت سیاسی را خواستار می شدند. «اعترافات یک قاتل اقتصادی» روایت یک انسان از تجربیاتش در بطن دسیسه، حرص و آرزو، فساد و فعالیت های سری و شناخته نشده دولت امریکا و کمپانی های این کشور از جنگ دوم جهانی به بعد است که پیامد شوم و مهلکی برای آینده دموکراسی و جهان به همراه داشته اند.